

ستوت یسن نسك گم شده‌یی که گم نشده

دکتر علی اکبر جعفری

اوستا، بی‌صدها سال بالش و گسترش خود، به اوجی رسیده بود که آورده‌اند آن را با آب زر و در دو نسخه بر ۱۲۰۰۰ پوست گاو نوشته در دو گنجینه نگاه می‌داشتند تا آن که اسکندر مقدونی تاخت و بسی از آن را با خود برد، یا برباد داد. در زمان اشکانیان کوششی بر گردآوری آن چه به یاد موبدان یادر نوشته‌های پراکنده بازمانده بود، آغاز شد و این کار دشوار گردآوری، بررسی، پالایش، پیرایش، گزارش و آرایش تا زمان انوشیروان کشید و سرانجام به شیراز ۲۱ نسك یا جلد درآمد. این «دائرةالمعارف» ساسانی، گذشته از دانش و آگاهی دینی و نماز و نیاز کیشی، دارای بخش‌های گوناگون پیرامون بازرگانی، بهداری، پزشکی، تاریخ، جغرافیا، داورى، کشورداری، کشاورزی، هنر و دیگر دانش‌های زمان بود. بیست و یک نسك برای این چون بندهیادی اوستا، پناهو ۲۱ واژه دارد. از این‌ها، هفت نسك گات‌هایی، هفت نسك «هاتك مانسريك» و هفت نسك دادی بودند. نسك‌های گات‌هایی درباره «دانش و كشش والاتر مینوی، نسك‌های دادی پیرامون دانش و كشش مادی و نسك‌های هاتك مانسريك میان این دو موضوع بودند»^۱.

سرآمد این نسك‌ها، ستوت یسن، ستوت یشت یا به کوتاهی یشت بود. ناگفته نماند که به زبان پهلوی یسن و یشت هر دو به يك معنی و به جای يك دیگر به كار رفته و آن جدایی که امروز ما میان این دو می‌گذاریم و یکی را به معنی «ستایش همگانی آفریدگار و آفریدگانش» و دیگری را به «ستایش ویژه به نام ایزد ویژه» می‌گیریم، نبود. در آن زمان، مجموعه یشت‌های کنونی در یغان نسك، یکی از نسك‌های دادی و مجموعه یسن‌های امروزی در میان ستوت یسن و شش نسك گات‌هایی بخش بود و دارای ۷۲ هات پیوسته نبود.

بیایم و از شادروان استاد پورداود فشرده آن چه پژوهش‌گران درباره ستوت یسن گفته‌اند، بخوانیم: هات ۵۵- در این هات گات‌ها و ستوت یسنیه ستوده شده است. گات‌ها معلوم است که همان پنج سرود پیغمبر ایران است. اما ستوت یسنیه - Staota yesnya، این کلمه که به صیغه جمع مکرراً در اوستا آمده، یعنی یسن‌های ستایش. از این

۱. برای تفصیل: (الف) گفتاری درباره دینکرد، دکتر محمد جواد مشکور، تهران، ۱۳۲۵.
(ب) سه‌نمای جداگانه اوستا، جعفری، نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان فروردین ۱۳۴۸.

کلمه فصول مخصوصی از یسنا اراده کرده‌اند. به‌طور تحقیق نمی‌دانیم که کدام فصول مقصود است. شکی نیست که مهم‌ترین قسمت یسنا است... در سرتعیین این فصول اختلاف بسیار کرده‌اند. نظر به مندرجات فصل ۱۳ شایست نشایست در فقره ۱ که می‌گوید ستوت یسنیه با کلمات «ویسائی و امشاسپنتا *visai ve amesha spenta*» شروع می‌شود، هیچ شکی نمی‌ماند که هات ۱۴ آغاز فصول ستوت یسنیه باشد زیرا که این هات با (این) کلمات شروع می‌شود. متأسفانه در فقره مذکور شایست نشایست ذکر نشده که ستوت یسنیه به کجا ختم می‌گردد. وست - West سی‌وسه فصل ستوت یسنیه را عبارت دانسته است از هات ۱۴-۱۸، هات ۲۲-۳۴، هات ۳۵-۴۲، ... هات ۴۳-۵۱، هات ۵۳-۵۵، هات ۵۸، هات ۵۹. به حساب دارمستتر - Darmesteter ستوت یسنیه از هات ۱۴ آغاز یافته با هات ۵۹ انجام می‌یابد. گلدنر - Geldner فصولی از یسنا را که در لجه مثل گات‌ها باشد، فصول ستوت یسنیه دانسته است. مدی - Modi تمام یسنار عبارت از ستوت یسنیه گرفته است. بارتولومه - Bartholomae هفده فصل گات‌ها و هفت هات و یسنا ۱۴ و ۱۵ و ۵۴ و ۵۶ و ۵۸ را محققاً جزو ستوت یسنیه دانسته است. به نظر تاراپور والا - Taraporewala همین فصول از یسنا را که بارتولومه ذکر کرده و به علاوه نماز معروف یتاهاو، اشم وهو و ینگه‌ها تمام جزو ستوت یسنیه می‌باشند. بولسارا - Bulsara ستوت یسنیه را عبارت دانسته از یسنا ۱۴ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۸ و ۴۱-۴۳ و ۵۵ و ۵۸»^۲

آنچه برگفته استاد می‌توان افزود چند رأی دیگر است: هیربد کاوس‌جی ایدل‌جی کانگا دروازه‌نامه اوستا زیر «ستوت یسنیه -- ستوت یسن -- ستوت یشت» می‌نویسد: «نام یکی از ۲۱ نسک که زمانی متن کاملی را به‌زبان اوستا در برداشت اما اکنون تنها پنج گات و هفت هات را دارد.» هیربد بهمن انوشیروان دابر دروازه‌نامه «زندیشت و ویسپرد» یا گزارش یسن و ویسپرد به‌زبان پهلوی زیر واژه «ستوت یسن -- ستوت یشت» می‌گوید: «نام یکی از نسک‌ها که دارای گات‌ها و هفت هات می‌باشد» و هات‌های ۵۴ و ۵۵ و گفته دینکرد که «سخنان ستوت همان گات‌ها است» را گواه رأی خود می‌آورد. خانم ماری بوئس در «تاریخ زرتشتیگری»، جلد یکم» می‌نویسد: «ستوت یسن اصلی مجموعه گات‌هایی از یتاهاو تا ائیریه‌ما ایشیو بوده.»^۳

۲. یسنا، جلد اول بمبئی، ۱۳۱۲، ص ۳۰.

۳. I. A Complete Dictionary of the Avesta Language, Kavazji Edalji Kanga, Bombay, 1900. 2. Pahlavi Yasna and Vispered, Bamanji Nasarwanji Dhabhar, Bombay, 1949. 3. A History of Zoroastrianism, Vol. I, Mary Boyce, Leiden, 1975.

من در جستار «سه‌نمای جداگانه اوستا» ۱۳ سال پیش به این نتیجه رسیده بودم: «با در نظر گرفتن نکته‌های بالا، باید گفت که در آغاز از ستوت‌یسن، خواست سرودهای پنجگانه زرتشت (از یتاهو تا ائیریه‌ما ایشیو) بوده و سپس هفت هات نیز که به لهجه و شیوه گات‌هایی بود، افزوده شد... سپس هم هات‌های دیگر...»

اکنون بیاییم ببینیم، آیا ستوت‌یسن (ستتوت یسنیه) اوستا همان ستوت‌یسن یا پشت، سرآمد نسل‌های ساسانی است که به گفته «روایات پارسی» ۳۳ کرده یا هات‌داشته؟^۴ چون پس از پانزده سال پژوهش، بر من این چیستان آسان گردیده، دیگر نیازی نمی‌بینم که خواننده را از پیچ و خم‌هایی که خود گذشته‌ام، بگذرانم و تا آن جایی که یک جستار دینی اجازه بدهد، این راه را از میان‌برها، کوتاه می‌پیمایم.

واژه‌های ستتوت - staota و یسنیه - yesnya یا صورت‌های دیگر همین دو واژه شش‌بار با هم در گات‌ها آمده‌اند.^۵ فشرده پیام آن شش بند چنین است: اشوزرتشت می‌خواهد از راه ستایش و نیایش اهورامزدا، خدای دانا، جهانیان را به آشتی و آرامش، شادی و آبادی، رسایی و جاودانی راه برد. سرودهای وی هم نماز به‌خدا و هم راهنمایی در جهان هستند.

اما در اوستا اصطلاح ستوت‌یسن ۲۱ بار آمده^۶ و خواست از آن مجموعه‌یی از سرودها است. اوستا تنها ستوت‌یسن را نام نمی‌برد بلکه از چندین پاره دیگر نیز یاد می‌کند. پس بیاییم اوستا را بکشاییم و ببینیم این نام‌ها را در کجا و برای چه بخش‌هایی برده:

۱ و ۲: فرورد (فرورتنی) در دو بخش فرورتنی (گزینش دین) و آستوثون

(ستایش دین) که در برخی نسخه‌های خطی در دو هات (۱۲ و ۱۳) و

در برخی در سه هات (۱۱ تا ۱۳) آمده.

۳: یتاهو (هات ۲۷-۱۳).

۴: اشم و هو (هات ۲۷-۱۴).

۵: یتگه هاتام (هات ۲۷-۱۵).

۶ تا ۲۹: گات‌های ۲۸ تا ۵۳ به‌جز ۴۲ و ۵۲ به ترتیب زیر.

(۱) اهنودگات دارای هفت هات که همه با نام یاد شده‌اند.

۴. روایات داراب هرمزدیار، جلد یکم بمبئی ۱۹۲۲ ص ۳، ۴، ۸، ۱۰.

۵. سرودهای ۳-۱، ۶-۶، ۷-۶، ۷-۱۲، ۱۵-۱۴.

۶. یسن: ۵۴-۲، ۵۵-۳ و ۶ و ۷، ۵۸-۸، ۹ و ۵۹-۳۳، ۷۱-۷ و ۱۸.

ویسپرد: ۱-۳، ۳-۷، ۹-۶ و ۷ و ۳-۱۲، ۲۳-۱.

نیرنگستان: ۱۲ و ۳۷، نیایش: ۴-۸.

پشت: ۱۰-۱۲۲، ۲۴-۲۸، پرسش‌ها: ۱۵.

- (۲) هفت هات دارای هفت هات، همه یکجا یاد شده‌اند.
 (۳) اشتودگات دارای چهار هات، همه با نام یاد شده‌اند.
 (۴) سپنمدگات دارای چهار هات، همه با نام یاد شده‌اند.
 (۵) وهوخشترگات دارای یک هات با نام.
 (۶) وهشتواشت دارای یک هات با نام.
 ۳۵ : ائیریه ما ایشیو (هات ۵۴).

به‌خاطر داشته باشیم که همه این نشانی‌هایی که برای جور کردن این جدول یاد کردیم، برای برخی در آغاز و پایان و برای برخی تنها در پایان هات‌های نامبرده آمده و از این راه ما آغاز و انجام هر کدام از هات‌ها را باز می‌شناسیم و گرنه بسیاری از همین نام‌ها در دیگر بخش‌های اوستا برای گرامی داشت نیز یاد شده‌اند و آن‌ها را به‌شمار نیاورده‌ایم.

اکنون چیزی که از گوشه زبان‌شناسی به‌چشم می‌خورد، لهجه همه این پاره‌هاست. این از لهجه دیگر بخش‌های اوستا جدا است، همان اندازه جدا که لهجه تهرانی از لب و لهجه فارسی یزد. پس پیش از آن که پژوهش خود را در زمین تازه‌یی آغاز کنیم، بهتر است باز یک نگاه کنجکویانه بر سرتاسر اوستا بینگنیم. تنها سه تیکه دیگر پیدا می‌کنیم و آن‌ها هم در همین بخش یسن. بند یکم یسن ۱۴، هات ۵۶ و هات ۵۸ و بس.

ازلحاظ نام، تنها دو نام دیگر در اوستا برده شده: فشوشومانتر و هادخت.^۷ اصطلاح فشوشو چندین بار در هات ۵۸ آمده. پس آن هات فشوشومانتر است. معنی هادخت (به اوستا هذثوخته) با سخن وسخن آرا است. در هات ۵۶، نماز گزار آرزو می‌کند که زندگانی خود را با «سروش» که در گات‌ها و در این هات به معنی الهام، کلام الهی و پیام خدایی آمده، بسر کند. وانگهی سنت زرتشتی هات ۶۶ را «سروش‌هادخت» و ۵۸ را فشوشومانتر می‌خواند. نیز لهجه را فراموش نکنیم!

پس بند یکم هات چهاردهم را پاره سوم، یتاهو تا ائیریه‌ما ایشیو را به‌جای ۳ تا ۳۵، ۴ تا ۳۱ می‌گردانیم و فشوشومانتر و هادخت را ۳۲ و ۳۳ می‌کنیم و آرام می‌گیریم که در سرتاسر اوستا تنها همین سی‌وسه پاره به‌لهجه گات‌هایی هستند و در اوستا جز این سی‌وسه، هیچ نامی از هیچ بخش دیگری برده نشده است.

باز هم ببینیم آیا این گفته را می‌توان از دیگر بخش‌های اوستا تأیید کرد؟ ویسپرد به‌یاری ما می‌آید. آن در کرده یکم نخست می‌گوید که پاره‌های ستوت یسن باهم پیوسته می‌باشند. واژه‌یی که به‌کار برده «هنداته - handata» است و معنی آن همداده، هم‌نهاده،

۷. یسن ۵۹-۴۳، ویسپرد ۱-۸، ۲-۱۰.

پیوسته، با هم دوخته است و هنداته سخنان پیوسته را که در يك شیرازه بسته باشند، می‌رساند. همین واژه برای هات‌های پیوسته یکایک گات‌ها و هفت هات به کار رفته تا همبستگی و پیوستگی آن‌ها برجا بماند و از پراکندگی و بریدگی آن‌ها پرهیز شود.

ویسپرد «پاره‌های پیوسته ستوت‌یسن» را گرامی می‌دارد و آن گاه یکایک آن‌ها را با نام از یتاهو تا هادخت می‌شمارد. باز در کرده دوم به جای نام ستوت‌یسن می‌گوید: «همه نمازها را، آن‌هایی را که اهورامزدا به زرتشت برای ستایش و نیایش گفت...» و سپس همه آن نام‌ها را یاد می‌کند و گرامی می‌دارد.

پس درجایی که از ویسپرد آغاز ستوت‌یسن را از یتاهو می‌گیریم، به گفته هات‌های ۵۴ و ۵۵، اثیرییه ما ایشیو را انجام آن می‌دانیم اما چون پس از هادخت (هات ۵۶) و در پایان فشووشومانتر (هات ۵۸) باز «سراسر ستوت‌یسن را با برترین بندهای آن گرامی می‌داریم» آمده، چنان می‌گوییم که این دوپاره از افزوده‌های بعدی هستند. یسن ۵۹ نیز می‌گوید «یتاهو... اشم وهو (دوپاره آغاز)... فشووشومانتر وهادخت (دوپاره انجام) را گرامی می‌داریم. سراسر ستوت‌یسن را گرامی می‌داریم که آیین زندگانی ازلی است.» ناگفته نماند که نیرنگستان (۳۴ و ۳۶) و ونیدیداد (فرگرد ۱۰ بندهای ۴ و ۱۲) یتاهو و اثیرییه ما ایشیو را که باید چهاربار خوانده شوند، آغاز و انجام می‌نمایند و همچنین هر کدام از هات‌های اهیایاسا (آغاز اهنودگات)، همتنام (آغاز هفت هات)، اوشتا اهمایی (آغاز اشتودگات)، سپتامینو (آغاز سپتتمدگات)، و هوخشر (آغاز و هوخشرگات) و همیشه ایشیتیش (آغاز و هشتواشت گات) را دوبار باید خواند، هر دو نیرنگستان و ونیدیداد هفت هات را جزو گات‌ها می‌شمارند و نیرنگستان، مانند هات‌های یسن، گات‌ها و ستوت‌یسن را به يك معنی می‌گیرد.

پس تا اینجا دانستیم که در اوستا آنچه به لهجه گات‌هایی هست، سی و سه پاره است که جز یکی، همه نام دارند. از این ۳۳، ۱۷ هات از آن گات‌های پنجگانه است، ۷ پاره هفت هات را جور می‌کنند، سه بند مهم در آغاز و یک بند در انجام این ۲۴ هات آمده و همه با هم ستوت‌یسن را پدید آورده‌اند. دو هات دیگر با نام‌های فشووشومانتر و هادخت از افزوده‌های بعدی هستند.

همه این‌ها در یسن با هم پیوسته می‌باشند و تنها هات‌های ۴۲ و ۵۲ و ۵۷ در این میان چون پیوندهای ناچور دیده می‌شوند. هر سه به لهجه اوستای جدید هستند. هات ۴۲ افزوده‌یی بر هفت هات است و هات ۵۲ که باز گویی از نماز هوشبام خرده اوستا و هات ۸ جور شده، هیچ بستگی به گات‌ها ندارد. هات ۵۷ هم که سر و ش یش است و بایستی در میان مجموعه یشت‌های حماسی برود. اگر این سه پاره را برداریم، ستوت‌یسن شیرازه خود را باز خواهد یافت و آن گاه آرام می‌توانیم با ویسپرد هم‌نوا گردیده بگوییم: «پاره‌های پیوسته ستوت‌یسن نیک ستوده راستین را که نمازهای راستی و درستی می‌باشند، نوید می‌دهیم و

به جای می آوریم» و با دلی پراز مهر خدا، به خواندن ستوت یسن آغاز کنیم.^۸
 اما درباره سه پاره دیگر به لهجه گات هایی که فرورد، ستایش دین و بند یکم هات ۱۴
 که در آغاز جدول گذاشتیم ولی در مجموعه یسن، در میان این سه ویتاهو، دوازده هات
 دیگر جای گرفته و آن ها را از یک دیگر دور ساخته اند، سخن داریم.

اکنون روی منی کتیه به نوشته های پهلوی. آن دینکرد است که ما را با یکایک نسک ها
 آشنا می سازد؟ و نشان می دهد که ستوت یسن آغاز و وندیداد انجام نسک ها هستند.^{۱۰}
 هنگامی که به ستوت یسن می رسد، می گوید: «یشت گات ها چون نخستین پدیده یتاهو
 است، ریشه اصلی ریشه های دین به شمار می آید... آغاز آن در برابر واژه اهو در بند
 یتاهو با واژه اهیایاسا است و انجام آن در برابر واژه واستارم یتاهو با واژه وهیو
 است... ستوت یسن هم همه آیین دین مزدیسنی را در بردارد و هم به درگاه آفریدگار همه
 نماز است و نیایش...»^{۱۱} در جای دیگر، دینکرد گزیده یی از ستوت یسن را درباره پیش برنده
 جهان نیکی و زننده بدی پیش می کند و هر چه می گوید از گات ها و هفت هات است.^{۱۲}
 گذشته از این، دینکرد از سه نسک گات هایی، سوتکرو ورشت مانسر و بگ به درازی سخن
 دارد و می گوید که هر کدام از فصل های آن ها گزارش یکی از سرودهای یتاهو تا اثیریه
 ما ایشیو می باشند و این دلیل دیگری است که ستوت یسن گات ها و هفت هات است.^{۱۳}

کتاب دیگر پهلوی، گزیده های زادسپرم، گفتاری پیرامون گات ها و هفت هات دارد
 و هفت هات را نیز «گات» شماره می گوید گات ها شش هستند. آن می افزاید که از اهیایاسا
 تا اثیریه ما ایشیو، گات ها دارای ۲۷۸ بند، ۱۰۱۶ بیت و ۶۰۰۰ واژه است و این با
 شمارشی که ما در دست داریم، درست می آید. ناگفته نماند که در آن زمان «واو هطف»
 را نمی شمردند و گرنه به ۶۸۰۰ واژه می رسید.^{۱۴}

اما آن «شایست نشایست» است که ما را روشن راه می برد. می گوید: «فرورد
 (fravard) از واژه فرورانه (fravarane) (یسن ۱۱-آغاز ۱۶) تا واژه فرستیه چه
 (frastayaeca) (۱۱-انجام ۱۶) و فرستویه (frastuye) از واژه فرستویه (۱۱)-

۸. به گواهی یسن، ویسپرد، خرده اوستا، نیرنگستان و وندیداد گات ها و هفت هات، نماز
 اصلی پنج گاه می باشند و دیگر نیایش ها سرآغاز، سرانجام و پیوند.

۹. دینکرد کتاب هشتم.

۱۰. دینکرد ۸-۱-۱۵.

۱۱. ۸-۴۷-۱.

۱۲. ۹-۶۹.

۱۳. دینکرد، کتاب نهم.

۱۴. متون پهلوی، جلد ۵: ص ۴۰۱ ترجمه وست - West.

۱۷) تا واژه آستویه (astuye) (۱۲-۸) و آستویه ازواژه آستوئون (āstaothvan) (۱۲-۹) تا آستوئونمچه (āstaothvanemca) دئیاؤ مازدیسئوئیش (۱۳-۸) می‌باشد و ویسائی و امشاسپنتا (۱۴-۱) آغاز ستوتان‌یسن و آن سه بخش (یتاهو، اشم وهو وینگیه تام) می‌باشد. سپس از یکیک هات‌ها، از اهیایاسا تا ائیریه ما ایشیو نام می‌برد، شمار بندها و بیتهارا می‌دهد و سرانجام می‌گوید آغازگات‌ها با اهیایاسا و انجام با وهیو است و آن دارای ۲۷۸ بند، ۱۰۱۶ بیت و ۵۵۶۷ واژه است و می‌افزاید: «فشوشومائتر را در پایان گات‌ها یسان یک بخش گات‌هایی می‌آموزند.» ۱۵ بدین‌سان ساز و سامان ستوت‌یسن روشن می‌گردد.

اما همین گفته که هات ۱۴-۱ آغاز ستوت‌یسن است، لغزشگاهی برای پژوهشگران شده و بسی از آنان هات‌های ۱۴ تا ۲۷ را نیز، با کمی ویشی، از آن ستوت‌یسن شمرده‌اند. افسوس که من جستارهای بارتولومه و تاراپور والا را نخوانده‌ام اما نتیجه کاوش‌های آنان با آن چه من دریافته‌ام، بسی نزدیک است ولی تا آن جایی که می‌دانم، بیشتر پژوهشگران لهجه گات‌هایی را در بازشناسی ستوت‌یسن سخت نگرفته‌اند و هیچ کدام به این نکته بنیادی نگاه ندوخته که در زمان تسالیف دینکرد، گزیده‌های زادسپرم و شایست نشایست، ستوت‌یسن، دست نخورده و درسته، نسک جداگانه‌یی بود و آن پیکر کنونی‌یسن با ۷۲ هات خود پدید نیامده بود! این بخش از اوستا، روزگاری پس از این نوشته‌های پهلوی، پس از آن که هفت نسک گات‌هایی و دیگر نسک‌ها آسیب تازه‌یی دیدند و پراکنده شدند، باز گردآورده شدند اما نزد من، این کار در هنگام نابسامانی انجام گرفت و هات‌های گات‌هایی و چه بسا تیکه‌هایی از دیگر نسک‌ها هم کنار هم چیده شدند. ویسن و ویسیرد را بدان پیکرهایی که ما می‌بینیم، پدید آوردند و برخی از پاره‌های ستوت‌یسن از هم جدا شدند و همبستگی آن‌ها شکاف برداشت.

پس چه از میان برها آمده‌ایم و چه گاهی از بیچ و خمی گذشته‌ایم، به جایی رسیده‌ایم که می‌توانیم بگوییم ستوت‌یسن درست و درسته، حتی با پاره‌های افزوده خود، به دست ما رسیده و چرا نرسد. آن ریشه ریشه‌های دین، بنیاد بنیادهای آیین، پیام راستین اشو زرتشت و چند جانشین بوده.

آیا با همه سفارشی که بارها در اوستا شده که ستوت‌یسن را باید بی‌هیچ دستبردگی خواند، آموخت، آموزانید، به‌یاد سپرد، از برخواند، ارج گذاشت و به کار بست «تا زندگانی را طبق خواهش خدا تازه و نو نگهداشت» ۱۶ باز هم می‌شد که آن را از دل‌های

۱۵. شایست نشایست، دستور فیروز کوتوال، کوپن‌هاگ، ۱۹۶۹، ص ۴۰.

(The supplementary Texts to the Shayast ne-Shayast, Firoze M.P. Kotwal, Copenhagen, 1969, Ch. XIII, P. 40.

۱۶. یسن: ۱۹-۵ و ۷ و ۲۱، ۲۰-۵، ۵۵-۶ و ۷، ویسپرد: ۱۳-۱ و ۲ و ۳ و ۱۴-۱ و ۴، ۱۶-۵ و ۴، ۱۸-۵، ۳ و ۱۹-۵، ۳ و ۲۰-۵، ۳ و ۲۳-۵، ۲ و ۲۴-۵ و بارها در کتاب «نیرنگستان».

نگاهبانان آن، چه پیشوا و چه پیرو، زدود. با تاراج کتابخانه‌ها، تنها گزارش‌های دنباله دراز و دیگر نوشته‌های گوناگون از میان رفتند اما نمازهایی که بر هر لب و در هر دل بودند، ماندند و خوب ماندند. مگر هیچ نیرویی می‌تواند قرآن مجید را از سینه صدها هزار حافظ آن پاک کند؟! آیا می‌توان ویده‌های چهارگانه را از یزید برهمنان بشمار برد؟! تنها لغزشی که شده، در آخرین گردآوری بوده و آن ترتیب بخش ستوت‌یسن بوده. اما در این هم، گات‌ها و هفت‌هات رخنه‌یی ندیده‌اند جز آن که دو هات ۴۲ و ۵۲ در میان چون دو پرده حایل گردند و بس.

پس می‌توانیم فراز بگوییم: ستوت‌یسن با متن راستین و پاره‌های پیوندی خود نه‌گم گشته و نه کاسته. آن درست مانده است، درست در سی‌وسه هات، همان‌سان که روایات به‌ما گفته‌اند.

اینک خدای مهربان را بس سپاس می‌گزارم که با پژوهش‌های پسانزده ساله خود، برای نخستین بار پس از بازپراکنندگی و گردآوری اوستا، ستوت‌یسن را نه‌تنها پیدا کردم بلکه آن راهم‌ستم و آراستم و به‌شاگردانی به‌دین‌آموختم و سپس باکمک «سازمان انتشارات فروهر» باهمان نام ستوت‌یسن به‌چاپ رساندم تا به‌دست دوستانان اشوزرتشت و خواستاران پیام مهین و بهین وی برسد.

اما اگر کسی درباره‌ی ترتیب کتاب ستوت‌یسن بپرسد، آن برابر با جدولی که در این جستار دادیم، نیست زیرا آن از روی ترتیبی است که از خود اوستا برمی‌آید^{۱۷} و زمانی را نشان می‌دهد که ستوت‌یسن را برشمار سرودها و بندها رده‌نچیده بودند و اهمیت پیام و ترتیب زمان در نظر بود. در آن اشم وهو و یتا‌هو، دوشعار والای دین بهی، سپس پنج‌گات، ائیریه ما ایشیو و هفت‌هات که همه به‌نظم می‌باشند، آمده‌اند و از آن پس، یکنه‌ها تام، فشوشومانتر و هادخت به‌نثر مسجع می‌باشند، و آن پس از خواندن و دریافتن و پذیرفتن پیام اندیش‌انگیز اشوزرتشت است که کسی می‌تواند با خواندن فرورد برگزینی دین‌بهی را فراز گوید و از آن پس نیز، هر گاه بخواید، «ستایش‌دین» را برخواند. تنها تیکه‌یی که در این کتاب نیامده، همان بند یکم هات ۱۴ است، آن تا آن زمان به‌چشم جوای من نخورده بود زیرا همین تیکه در ویسپرد کرده‌پنجم به‌لهجه اوستای جدید آمده و من آن روی را در نگاه داشتم. به‌هرسان آن را در چاپ آینده درجایش خواهیم گذاشت. در پایان با نیایشی از یسن ۵۸ این جستار را به‌پایان می‌رسانیم.

**«سراسر شیرازة ستوت‌یسن را
با والاترین شعرهای گرامی می‌داریم،
ستوت‌یسن را
که آیین زندگانی ازلی است
گرامی می‌داریم.»**

۱۷. یسن ۵۷-۲۲، ۶-۷۱، نیرنگستان ۲۲، رپیتون‌گاه ۵، آفرین‌گات‌ها ۱ و ۳.